واحدی نیشابوری و روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر البسیط ـ اسماعیل اسماعیلی شریف، مجید معارف، سید محمدعلی ایازی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هفدهم، شماره ۶۵ «ویژه قرآن و حدیث»، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۰-۳۹

واحدی نیشابوری و روایات فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر البسیط

اسماعیل اسماعیلی شریف*
مجید معارف**
سید محمدعلی ایازی***

چکیده: در این مقاله، آیاتی که علی بن احمد واحدی نیشابوری شافعی مفسر قرن پنجم (م. ۴۶۸ق) در تفسیر البسیط بر اساس روایات وارده، شأن نزول آن‌ها را پیرامون فضائل اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند، مورد بررسی قرار گرفته و به دو دسته تقسیم شده‌اند: گروه اول آیاتی که تنها در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است مانند آیه مباهله، آیه نجوی، آیه اطعام و آیه سقایة الحاج. گروه دوم آیاتی که به عقیده واحدی در شأن اهل بیت و دیگران نازل شده است مانند آیه تطهیر و آیه ولایت. بر خلاف برخی از نویسندگان اهل تسنن واحدی به جایگاه والای اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرآن اعتراف دارد. نگارندگان در این مقاله به مطالعه تطبیقی بین دیدگاه‌های واحدی با شماری از دانشمندان اهل تسنن و تشیع پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: واحدی؛ اهل بیت علیهم‌السلام؛ تفسیر البسیط؛ روایات تفسیری؛ فضایل و مناقب.

*. دانشجوی دکتری رشته‌ی علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ismaeleesharif@gmail.com
**. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Maaref@ut.ac.ir
***. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

۱. طرح مسأله

گونه‌های مختلف مواجهه محدثان و مفسران اهل تسنن با فضائل اهل بیت که ذیل آیات قرآن وارد شده، از موضوعاتی است که توجه اهل تحقیق را به خود جلب کرده است؛ به نوعی که طیفی گسترده از این رویارویی‌ها را، از انکار این فضائل تا قبول مشروط یا محدود آن‌ها و گاه پذیرش گسترده آنها، در منابع حدیثی و تفسیری اهل تسنن می‌توان یافت. تحلیل این تنوع و عوامل و انگیزه‌های آن و ارتباط این اختلاف دیدگاه‌ها با زمینه‌ها و زمانه‌های آن دانشوران بحث‌هایی مفصل می‌طلبد که در این مقال نمی‌گنجد.

در این مقاله در پی آنیم که رویکرد واحدی به مقوله فضائل اهل بیت را که در روایات تفسیری ذیل برخی از آیات مربوطه آمده، بررسی کنیم.

واحدی نیشابوری از جمله مفسران شافعی مذهب اهل سنت است که به تأسی از استاد خود ثعلبی پا را از تعصب بیرون نهاده و در تفسیر خود، حقایقی در باب مناقب اهل بیت آورده و با گام نهادن در این وادی پر مخاطره نکوهش‌ها و سرزنش‌های برخی از آیندگان را به جان خریده است.

این اشتراک میان دانشوران شیعه و سنی حول محور قبول فضائل اهل بیت می‌تواند و شایسته است که محور وحدت و عامل تقریب مذاهب گوناگون باشند. در واقع در این رویکرد به اهل بیت نه عنوان امامت بلکه به عنوان مرجعیت علمی توجه می‌شود که مورد اتفاق تمام علمای منصف فریقین است.

۲. پیشینه

پیشینه کتاب‌هایی که در باب فضائل اهل بیت به طور خاص توسط دانشمندان اهل سنت به نگارش در آمده تا آنجاست که سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی (۱۳۴۸-۱۴۱۶ق.) که پژوهش خود را تنها به تک نگاری‌های عربی اهل سنت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

که در باره اهل بیت علیهم‌السلام نوشته‌اند اختصاص داده، تا حدود سی سال پیش، ۸۶۵ کتاب را در این جهت بر شمرده است. (طباطبایی، سید عبدالعزیز، اهل البیت فی المکتبة العربیة) این همه تلاش علمی پژوهشگر را بر آن می‌دارد تا با بازیابی و معرّفی این آثار، گامی مؤثر در اتّحاد پیرامون نقاط مشترک فریقین بردارد.

در این مورد، کلام ابن قتیبه دینوری خواندنی است که می‌گوید: «بسیاری از محدّثان، خود را از بازگویی فضائل علی ـ کرم اللّه وجه ـ باز می‌دارند، یا دوست ندارند محبت خود را نسبت به آن جناب اظهار کنند، با اینکه تمام این احادیث، به طور صحیح روایت شده است.» (نقل شده در: مکداش، باسم، الدرر البهیة بفضائل العترة النبویة و الذریة بروایات اهل السنة الصحیحة المرضیة، فضائل اهل البیت عند اهل السنة، ترجمه عبدالحسین طالعی، نسخه منتشر نشده)

در خصوص رویکرد واحدی نسبت به فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر البسیط تا کنون مقاله‌ای منتشر نشده است. بدین روی این مقاله در موضوع خود مقاله‌ای ابتکاری به شمار می‌آید.

۳. شرح حال واحدی نیشابوری

علی بن احمد بن محمّد بن علی واحدی نیشابوری شافعی، مکنّی به ابوالحسن یا ابوالحسین (إنباه الرواة علی أنباه النحاة، قفطی، جمال الدین ابوالحسن علی بن یوسف، ج۲، ص ۲۲۳) از اهالی نیشابور و متولّد ساوه است. (معجم البلدان، حموی، یاقوت، ج۱۲، ص ۲۵۷) در کتب تراجم تاریخ تولّد وی ذکر نشده ولی تمامی مصادر در تاریخ وفات او در سال ۴۶۸ق در نیشابور متّفق‌اند. (همان، ص ۲۲۳ و ۲۲۴)

او در حدود هفتاد سال عمر خویش (العبر فی خبر من غبر، ذهبی، شمس الدین، ج۲، ص ۳۲۴) در زمره نویسندگان مهم و امامان عصر خود در ادبیات، تفسیر، حدیث، فقه و نحو در آمد و به شیوه معمولِ آن زمان، برای کسب علم به شهرهای عراق، شام و حجاز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

سفر کرد. (واحدی، البسیط، ج۱، ص ۴۲۵) وی دانش تفسیر قرآن را از ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی فراگرفت. از ابوطاهر بن محمش و قاضی ابوبکر حیری بن کندی عیسی بن یحیی و ابوابراهیم اسماعیل بن ابراهیم واعظ و محمد بن ابراهیم مزکی و عبدالرحمان بن حمدان نصروی و احمد بن ابراهیم نجار و دیگران نیز حدیث شنید. (معجم الأدباء، حموی، یاقوت، ج ۴، ص ۲۶۱)

از آثار مهم واحدی در تفسیر کتاب البسیط، در علوم قرآنی اسباب النزول و در ادبیات الإغراب فی علم الإعراب می‌باشد. برخی از دیگر کتب وی عبارتند از: شرح دیوان المتنبّی، نفی التحریف عن القرآن الشریف و ...

واحدی در نقل فضائل اهل بیت پیامبر خدا در تفسیر البسیط، با تأثیر از استاد خود ثعلبی عمل نموده و همچون استاد مورد شماتت واقع شده است. این مسئله در باره ثعلبی از شدّت بیشتری برخوردار است تا آنجا که برخی او را رافضی دانسته‌اند. برای نمونه محمد باقر مجلسی، سید محمد باقر خوانساری و شیخ آقا بزرگ تهرانی احتمال شیعی بودن او را بیان کرده‌اند. (مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۵؛ موسوی خوانساری، روضات الجنّات، ج۱، ص ۲۵۶؛ تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ج ۱۸، ص ۶۷) امّا سخن صحیح‌تر آنست که بگوییم ثعلبی تنها به علّت دوری از تعصّب، احادیث فضائل اهل بیت علیهم‌السلام را در تفسیر خویش نقل نموده است و این دلیل بر تشیع او نیست.

۴. مختصری از شرایط اجتماعی - سیاسی نیشابور

شرایط اجتماعی - سیاسی اثر مهمی در پیشرفت علم و پرورش عالمان بزرگی که در آن دوره زندگی می‌کنند، دارد. نیشابور از پهناورترین شهرهای خراسان قدیم به شمار می‌آمده و به "ایرانشهر" معروف بوده است. (مقدسی، محمّد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ج۲، ص ۴۳۴ و ۴۳۵) این شهر در مسیر شاهراه تجاری آن زمان قرار داشت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

و «دهلیز المشرق» خوانده می‌شد. راه اصلی بازرگانی ایران به ترکستان، از نیشابور به سرخس و سپس به مرو می‌رفت که باعث شهرت و رونق اقتصادی آن سرزمین شده بود. (گرایلی، فریدون، نیشابور شهر فیروزه، ص ۲۷۲)

دوران زندگی واحدی با اواخر حکومت سامانیان و پس از آنان حکومت غزنویان مقارن بوده است. در پی زوال خلافت عبّاسیان و محدود شدن قدرت آنان حکومت‌های مستقل محلّی و حاکمان جدید در سرتاسر قلمروهای امپراتوری قدیم جایگزین حکومت مرکزی عبّاسی شدند. مهم‌ترین پادشاه سامانی پس از جلوس بر تخت به نام خلیفه القادر بالله خطبه خواند. او در دوران حکومت خویش از عالمان دینی و اهل ادب و فرهنگ حمایت ویژه‌ای می‌کرد و برای آنان جایگاه خاصّی قائل بود. (ر.ک: عبّاسی، مهرداد، ابواسحاق ثعلبی و روش وی در تفسیر قرآن)

این شهر در زمان غزنویان رونق از دست دادهٔ خویش را - که مسبّب آن، حاکمان جدیدی بودند که در سلسله سامانیان پی در پی به حکمرانی آن‌جا گمارده می‌شدند- دوباره به دست آورد و امنیّت اجتماعی - اقتصادی برای آن حاصل شد. (گرایلی، فریدون، نیشابور شهر فیروزه، ص ۸۷ و ۹۶)

در باره نیشابور گفته‌اند: «شاید در دنیا سابقه نداشته باشد که شهری همچون نیشابور تا این اندازه ویران گشته و از نو قد برافراشته باشد. این شهر با عظمت و تاریخی، هم شلّاق طبیعت خورده و هم طعم تلخ تاخت و تاز مهاجمان را چشیده است». (زنگنه، ابراهیم، شهرستان نیشابور و مهم‌ترین وقایع تاریخی آن، ص ۱۶۴)

وجه مشترک این حکومت‌ها، مذهب حنفی بوده است که باعث گسترش آن نیز شده‌اند. (ر.ک: مادلونگ، فیلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ص ۳۵-۴۳ و ۸۹-۹۷) بنابر گزارش مقدسی، نیشابور در گستره علم و دانش بسیار پیشرفت نمود و روزی نمی‌گذشت مگر این‌که در این شهر، مجالس بحث و مناظره برپا می‌شد. (مقدسی،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

محمّد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ص ۴۶۰)

در قرن چهارم هجری، مذهب شافعی نیز در کنار حنفیان گسترش یافت و در مجموع می‌توان گفت: «مذاهب فقهی در قرن چهارم، روی هم رفته با هم صلح و سازش داشته‌اند». (متز، آدام، تمدّن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج۱، ص ۲۴۳)؛ ولی در این میان شیعیان وضعیت متفاوتی داشتند. سلطان محمود هر جا نشانی از شیعه به ویژه اسماعیلیان می‌یافت آن را نابود می‌ساخت. (اقبال آشتیانی، عبّاس و عاقلی، باقر، تاریخ ایران پس از اسلام، ج۱، ص ۲۳۲ و ص ۲۴۳) واحدی در چنین سرزمینی به تلاش علمی اشتغال داشت.

۵. اقوال دانشمندان درباره واحدی نیشابوری و تفسیرالبسیط

واحدی در عصر خود، شخصیّتی أثرگذار و کم نظیر بوده است. دانشمندان زیادی در مدح وی، با الفاظی برجسته زبان به ستایش او گشوده‌اند. برای نمونه، ذهبی وی را با عباراتی نظیر: امام، علّامه، استاد، امام علمای تأویل، مفسّری یگانه که فاضل در علم بود و سرآمد در علوم نحوی و ادبی و برجسته در تفسیر می‌ستاید. (ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۳۳۹- ۳۴۱) ابن اثیر نیز وی را امام و مفسّر مشهور می‌داند. (ابن اثیر جزری، الکامل، ج۸، ص ۱۲۳) ابن خلّکان او را استاد نحو و تفسیر در عصر خود می‌داند. (ابن خلّکان، وفیات الأعیان، ج ۲، ص ۴۶۴)

در مجموع عبارتی که توصیف مشترک میان دانشمندان و مورّخان دربارهٔ واحدی است، جمله «کان واحد عصره فی التفسیر» می‌باشد که جایگاه والای وی در نظر دانشمندان پس از خود را به خوبی به نمایش می‌گذارد. (برای نمونه: ر.ک: سیوطی، عبدالرحمن، طبقات المفسّرین، ص ۲۳؛ ابن العباد، شذرات الذهب، ج۳، ص ۳۳۰؛ إسنوی، طبقات الشافعیه، ج۲، ص ۵۳۹ و ...)

۶. فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر واحدی

یکی از ویژگی‌های تفسیر البسیط، نقل برخی از روایات فضائل اهل بیت پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است. واحدی در مقام ذکر این روایات، بیشتر به روایاتی که نزول آیه‌ای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

دربارهٔ اهل بیت علیهم‌السلام را معرّفی می‌کنند تأکید دارد؛ هرچند وی در تفسیرش به روایات تفسیری ایشان نیز استناد کرده است. (برای نمونه، ن.ک: واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج۲۲، ص ۳۵۸ ذیل آیهٔ ششم از سورهٔ مزمّل، به نقل از امام علی بن حسین علیه‌السلام) رویکرد این مقاله، تنها بررسی روایات رسیده در بیان مناقب و فضائل اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر واحدی است.

واحدی در این رویّه، از استاد خویش ثعلبی الگو پذیرفته که وی نیز به پیروی از بنیانگذار مذهب شافعی، - محمّد بن ادریس شافعی- اقدام به ذکر مناقب خاندان عصمت در کتاب خویش کرده است. (جندی، عبدالحلیم، الإمام الشافعی، ص ۱۱۴) سروده‌های متعدد شافعی دربارهٔ دوستی و بزرگداشت خاندان رسول گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله تا حدّی متهورانه است (به عنوان نمونه: «إن کانَ رَفضاً حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ- فَلیَشهَدِ الثَّقَلانِ أنّی رَافضِی»). وی تا آنجا پیش می‌رود که خود را «رافضی» می‌نامد. (شافعی، دیوان الإمام الشافعی، ص ۹۳) گویا این رویه به گونه‌ای در میان شافعیان رسم شده بود و از طرف دیگر نیز، انتقاد و نکوهش از اینان از سوی دیگران به عادتی تبدیل شده بود که حتّی شافعی نیز از تیغ تیز آن در امان نماند. (ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۵۲-۳۵۳)

در ادامه، روایاتی که واحدی در تفسیر آیات قرآن پیرامون مناقب اهل بیت علیهم‌السلام آورده است، به دو دسته قابل تقسیم است: بخش اوّل، روایاتی که سبب نزول آیه را فقط اهل بیت به ویژه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام می‌داند. بخش دوم، روایاتی که علاوه بر اهل بیت، دیگران را نیز سبب نزول آیه دانسته است.

۶-۱. فضائل انحصاری اهل بیت علیهم‌السلام در آیات، از منظر واحدی

در این بخش، روایاتی از واحدی نقل می‌شود که در آن‌ها، سبب نزول آیه را فقط اهل بیت به ویژه علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام اعلام کرده است. در برخی از این نمونه‌ها، سبب نزول را تنها منحصر به امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌داند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

۶-۱-۱. آیه مباهله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكاذِبين.» [آل عمران: ۶۱] یعنی: «پس هر که با تو درباره او [عیسی] مجادله و ستیز کند پس از آنکه بر تو [به واسطه وحی، نسبت به احوال وی] علم و آگاهی آمد، بگو: بیایید ما پسرانمان را و شما پسرانتان را، و ما زنانمان را و شما زنانتان را، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

مفسّران بر این باورند که مراد از «ابناءنا»، حسن و حسین علیهما السلام، «نساءنا» حضرت فاطمه علیها السلام و «انفسنا» حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

واحدی این رخداد را این‌گونه گزارش می‌کند که در رویارویی نصاری با پیامبر، آنان به این مقابله تن ندادند. و در این ماجرا پیامبر، حضرت علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین را به همراه خود برده بودند و پیروزی مهمی برای اسلام رقم خورد. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۵، ص ۳۲۰)

واحدی همچنین می‌گوید: «اهل معانی دربارهٔ عبارتِ «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» می‌گویند که منظور از "أَنفُس"، پسرعموها می‌باشند و عرب هنگامی که از پسرعمو خبر می‌دهد آن را نفس پسرعمویش برمی‌شمارد». نیز می‌گوید: «"ابتهال" در لغت دو معنی دارد؛ یکی تضرع به درگاه خداوند متعال و دوم نفرین کردن. وقتی دعا با کلمه "بَهلَة" بیان شود به معنای لعنت می‌باشد. گفته می‌شود: "بَهلتُهُ بَهلَةً" یعنی او را لعنت کردم. لَبید می‌گوید:

«فی قُرُومٍ سادةٍ مِن قومِهم ... نَظَرَ الدهرُ إليهم فابْتَهَلْ» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۵، ص ۳۲۱-۳۲۲)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

حاکم نیشابوری معتقد است خبر نزول آیه در باره پنج تن متواتر است. (حاکم، معرفة علوم الحدیث ص ۵۰ به نقل موسوعة الامامة ج ۱ ص ۱۳۲) جصّاص که مذهب حنفی دارد می‌گوید: راویان سیره و ناقلان اثر در این مطلب اختلافی ندارند که پس از نزول این آیه رسول خدا علی و فاطمه و حسن و حسین را به همراه برد. (جصّاص، احکام القرآن ج۲ ص ۲۹۵ به نقل موسوعة الامامة، همان) در کتاب موسوعة الامامة ۴۶ روایت در همین مورد آورده که به ۱۹ تن از صحابه و تابعین مانند جابر انصاری، حذیفه یمانی، ابن عباس، سدّی، قتاده و... می‌رسد. (موسوعة، همان ص ۱۳۲-۱۵۸) ماجرای این آیه بر اساس منابع متعدد در مورد مناظره‌ای است که میان نصارای نجران و رسول خدا ﷺ روی داد و در آخر، به پیشنهاد مباهله منجر شد. (احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص۴۴۹؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۵، ص۶۱؛ بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۷۱ و ...)

زمخشری می‌گوید: «این آیه قوی‌ترین دلیل در فضل اصحاب کساء را در بر دارد، و در آن برهانی روشن است در صحت نبوّت پیامبر ﷺ، زیرا هیچ موافق و مخالفی روایت نکرده است که نصارا به این امر پاسخ داده باشند.» (زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۳۶۸)

جلال الدین دوانی در رساله نور الهدایة مباهله را مبنایی برای رسیدن به راه صواب در فضای اختلاف‌های صدر اسلام که پیامدهای آن تا کنون ادامه دارد، می‌داند. وی ویژگی جانشین راستین پیامبر را بدین صورت بیان می‌دارد: «ناگزیر باید در کمالات علمی و عملی و نفسانی و روحانی همانند خود پیامبر ﷺ باشد و از نفسی قدسی بهره برد تا بر حسب آمادگی‌اش از آغاز عمر تا پایان از دایره عصمت، پا فراتر ننهد و سخن او حجّتی باشد که به هیچ روی شائبه‌ای بدان راه نیابد و دین و شریعت پیامبر ﷺ را به وضع خود، پایدار نگاه دارد». آنگاه اشاره می‌کند که این ویژگی‌ها فقط در امام علی علیه‌السلام وجود دارد، زیرا او در رویداد مباهله به عنوان «نفس پیامبر»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

معرفی شده است. (دوانی، جلال الدین. رساله نور الهدایه، چاپ شده در «الرسائل المختاره» ص ۱۲۰-۱۲۲)

این سخنان گوشه‌ای از استدلال‌های دانشوران اهل تسنن است که همداستان با واحدی به فضیلت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گردن نهاده‌اند.

ابن تیمیه و محمد عبده ذیل همین آیه مطالبی گفته‌اند که به نوعی در تضعیف سند حدیث یادشده یا تردید در دلالت آن بر امامت امام علی علیه‌السلام بکوشند، چنانکه فضل بن روزبهان در پاسخ به علامه حلی که مباهله را یکی از ادلّه امامت امام علی علیه‌السلام دانسته، می‌نویسد: «البته امیرالمؤمنین علی در این آیه فضیلتی بزرگ دارد ولی نصّی بر امامتش نیست». (نقل شده در: دلائل الصدق، ج ۴ ص ۴۰۱) مطالب ابن تیمیه و عبده را شیخ محمد جواد بلاغی (آلاء الرحمن ج ۱ ص ۲۸۹-۲۹۴) و مطالب ابن روزبهان را محمد حسن مظفر (دلائل الصدق ج ۴ ص ۴۰۲-۴۱۰) و قاضی نورالله شوشتری (احقاق الحق، ج ۳ ص ۶۲ به بعد) از جهت متن و دلالت پاسخ گفته‌اند.

می‌بینیم که واحدی فقط روایت مربوطه را نقل کرده ولی نه سخن از امامت امام علی علیه‌السلام می‌گوید و نه از انکار آن. لذا به قطع نمی‌توان دیدگاه او را در باره دلالت آیه بر امامت دانست و تنها به عنوان نقل فضائل از جانب ایشان تلقی می‌شود.

۶-۱-۲. آیه نجوی

«يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». [مجادله :۱۲] یعنی: «ای مومنان چون خواهید که با پیامبر راز گویید پیش از نجوایتان صدقه‌ای تقدیم دارید این برای شما بهتر است اما اگر چیزی نیافتید بی‌گمان خداوند آمرزندهٔ مهربان است».

واحدی از مقاتل بن سلیمان نقل می‌کند که گفته است: «هنگامی که این آیه نازل شد ... کسی از أهل میسره در صدقه دادن بر علی بن أبی طالب علیه‌السلام پیشی نگرفت. ایشان یک دینار صدقه دادند و با پیامبرصلی الله علیه [و آله] به اندازه ده کلمه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

سخن گفتند و زمان زیادی نگذشت تا این که خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: «أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.»

لیث از مجاهد روایت می‌کند که علی بن أبی‌طالب علیه‌السلام می‌فرمودند: در کتاب خدا آیه‌ای وجود دارد که کسی قبل از من به آن عمل نکرده و بعد از من نیز کسی به آن عمل نخواهد کرد: آیه نجوا،...، مقاتل بن حیان می‌گوید: این آیه برای ۱۰ شب بود سپس نسخ شد (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۲۱، ص ۳۵۱-۳۵۲)

إسکافی به مقایسه وضعیت مالی امیرالمومنین علیه‌السلام با برخی دیگر از صحابه می‌پردازد که آن‌ها با وجود تمکن مالی حاضر به پرداخت صدقه برای نجوا نشدند، در حالی که امیرالمؤمنین با اینکه در آن زمان گرفتار فقر بود تنها کسی بود که به آیه شریفه عمل کرد و گرفتار گناهی که دیگران مرتکب شدند، نشد. (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ج ۱۲ ص ۲۷۴ به نقل موسوعة الامامة ج۲ ص ۳۰۶-۳۰۷) ثعلبی به نقل از مقاتل می‌گوید: این آیه در مورد اغنیا نازل شده است. سپس به نقل از حضرت علی علیه‌السلام، مجاهد و ابن عمر این آیه را در مورد کار ارزشمند حضرت علی علیه‌السلام معرفی می‌نماید. "قالَ علی ابن ابیطالب: اِنَّ فی کتاب الله لآیة ما عمل بِها احدٌ قبلی و لا یعملُ بها احدٌ بعدی: «یا ایها الذین آمنوا... صدقة». فانها فرضت ثم نسخت." (تفسیرثعلبی، ج ۹، ص۲۶۱-۲۶۲)

گفتنی است مفاد آیه با مصداقی که ثعلبی بنا به نقل مُقاتل بیان کرده است سنخیت ندارد. چون خداوند در پایان آیه می‌فرماید: «فان لم تجدوا فان الله غفورٌ رَحیم» و این عبارت در مورد "اغنیا" صحیح نیست. علاوه بر این روایات متعددی وارد شده است که تنها کسی که به این آیه عمل کرد علی علیه‌السلام بود. (حاکم حسکانی، شواهد التنزیل ج۲، ص۲۳۱ و ۲۴۰)

میبدی نیز از حضرت علی علیه‌السلام روایت می‌کند که هیچکس جز او به آیه نجوا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

عمل نکرده است (میبدی، ۱۳۷۶ش: ۲۱/۱۰)

ابن سلّامه در باره این آیه می‌نویسد: «هی إحدی الفضائل عن علی بن ابی طالب کرَّم الله وجهه... و اختصَّ بفضلها علی بن ابی طالب کرَّم الله وجهه» (ابن سلّامه، الناسخ و المنسوخ ص۱۲۱ به نقل موسوعة الامامة ج۲ ص ۲۸۸) در موسوعة الامامة از طریق ۵۵ خبر که از ۸ تن از صحابه و تابعین روایت شده اختصاص این فضیلت را به علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام نشان داده است. در زمره اینان ابن عباس، ابن عمر، ابو ایوب انصاری و مجاهد یاد می‌شود. (موسوعة الامامة ج ۲ ص ۲۸۷-۳۰۸)

ابن طلحه شافعی پس از نقل این خبر از ثعلبی می‌گوید:

چنین اخلاق والایی یعنی جمع میان این دو عبادت بزرگ جسمی و مالی در یک زمان تا جایی که قرآن کریم آن دو را بستاید و به سوی آن دو ره بپوید، به علی علیه‌السلام اختصاص دارد و شرافت آن به شخص علی می‌رسد بدون آن که کسی از صحابه پیش یا پس از او در این فضیلت، شریک حضرت شمرده شود. (نقل شده در: کشف الغمّه ج ۱ص ۱۶۷)

زمخشری می‌گوید: در این جا خداوند تبارک و تعالی همه امّت را با این سخن نکوهیده است: فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ [مجادله/ ۱۳]، و این بدان سبب است که خداوند، صدقه را به کم یا زیاد مقیّد نساخته است و تهیدستان را در ناتوانی شان عذری نیست. این بدان سبب بود تا علی علیه‌السلام از دیگران ممتاز شود و فضیلتش در میان آن‌ها آشکار گردد، چرا که خداوند پیش از گزینش آن‌ها از عملکرد یا خودداری آن‌ها آگاه بوده است و از همین رو خواسته است از این راه شرف حضرت را به دلیل فرمانبری از خدا و شایستگی خلیفگی او آشکار کند. (زمخشری، کشاف، ج ۴، ص ۴۹۳)

اختصاص امیرالمؤمنین علیه‌السلام به این فضیلت والا سخنی است که زمخشری و ابن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

طلحه در آن با واحدی اتّفاق نظر دارند.

فضل بن روزبهان در باره این آیه می‌نویسد: «این آیه از فضائل امیرالمؤمنین است که کسی با او در آن مشارکت نجست، و در صحاح نیز آمده، و بی‌تردید یکی از فضائل او است که زبان از احاطه بر آن ناتوان است، ولی بر نصّی که ادعا می‌شود دلالت ندارد». (نقل شده در: دلائل الصدق، ج ۵ ص ۳۰ و ج ۶ ص۷۲) این سخن را در باب دلالت بر امامت، مظفر (دلائل الصدق ج ۵ ص ۳۱ –۳۸) و قاضی نور الله (احقاق الحق ج ۷ ص ۴۲۶ به بعد) پاسخ داده‌اند.

در اینجا واحدی فقط به نقل خبر بدون تعلیق بر آن اکتفا کرده و در باره پیوند آن با امامت سکوت کرده است.

۶-۱-۳. آیه اطعام

«وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا». [انسان:۸]؛

ترجمه: «خوراک خود را با وجود دوست داشتنش به بینوا و یتیم و اسیر اطعام می‌کنند».

واحدی در البسیط چنین می‌آورد: «کلبی در تفسیر «عَلَى حُبِّهِ» می‌گوید: عَلَى شهوته و مقاتل می‌گوید: عَلَى حبِّ الطعام. زجاج می‌گوید ضمیر هاء به طعام اشاره دارد یعنی: طعام را اطعام می‌کنند با وجود آن که به شدت به آن نیاز دارند و خداوند متعال آنان را به ایثار توصیف می‌کند. همچنین دربارهٔ «وَأَسِيرًا» حسن می‌گوید: اسیر از مشرکین بود و این سخن ابن عباس است. قتاده می‌گوید: این اسیر در آن روز مشرک بود ولی برادر مسلمان تو به این‌که او را اطعام کنی سزاوارتر است و مقاتل نیز دربارهٔ اسیر می‌گوید که او از مشرکین بود» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۲۳، ص ۲۸–۲۹)

عطاء از ابن عباس مشابه این را در شأن نزول آیه روایت می‌کند (واحدی، علی بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

احمد، تفسیر البسیط، ج ۲۳، ص ۳۱-۳۳) مجاهد و کلبی دربارهٔ آیه «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ» (انسان: ۹) این کلام را مربوط به نیت آن‌ها می‌دانند نه سخن ظاهریِ آن‌ها. اما خداوند آنان را تمجید کرد تا سبب تشویق دیگران شود. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۲۳، ص ۳۳)

نیز واحدی از ابن عباس آورده که این آیه درمورد علی ابن ابی‌طالب و فاطمه علیهما السلام نازل شد، که در بیماری(فرزندشان) حسین نذری کردند، و به نذر خود عمل کردند.» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۲۳، ص ۲۸)

نویسندگان موسوعة الامامة ۳۴ روایت در زمینه نزول این آیه در باره علی و فاطمه علیهما السلام به روایت از ۶ تن از صحابه و تابعین مانند زید بن ارقم، ابن عباس، اصبغ بن نباته و... آورده‌اند. (موسوعة الامامة ج ۲ ص ۳۵۹-۳۹۷) عاصمی از محققان اهل تسنن کتابی مستقل در این موضوع به نام "زین الفتی فی تفسیر سورة هل اتی" نوشته است.

میرزا محمد شیروانی (متوفی ۱۰۹۸ ق.) دو رساله با مضامین مختلف به فارسی و عربی در تفسیر سوره هل اتی نوشته است. وی در رساله فارسی خود به این مضمون اشاره می‌کند که از یک سو، اهل علم معمولاً به تعلیقه زدن بر کتابهای پیشین و اظهار مخالفت با آنها به دیدن اندک خللی حرص می‌ورزند، چنانکه در مواضع فراوان دیده‌ایم. از سوی دیگر، تفاسیر مهم اهل تسنن مانند کشاف و انوارالتنزیل در دسترس آنها بوده و بر آنها حواشی فراوان زده‌اند، ولی با این همه سبب نزول سوره هل اتی در باره اهل بیت را انکار نکرده‌اند.

وی در رساله عربی خود می‌نویسد: در این سوره خداوند در مورد کسانی که به آن وصف اطعام کرده‌اند، می‌فرماید: فوقاهم الله شرّ ذلک الیوم. این نشان عصمت آل عبا است. که از گناه و مخالفت اوامر الهی معصوم‌اند. زیرا در آیهٔ دیگر دارد: فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنة أو یصیبهم عذاب یوم ألیم. (بنگرید: شیروانی، محمد. رساله

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

فی تفسیر سوره هل أتی، سفینه، شماره ۱، ص ۱۶۱–۱۷۸)

فضل بن روزبهان در این حدیث از چند جهت خدشه می‌کند: اولاً اینکه برخی از مفسران آن را آورده‌اند و بعضی دیگر انکار کرده‌اند. ثانیاً چنین ایثاری جایز نیست. ثالثاً به فرض صحت خبر، دالّ بر امامت نیست. (نقل شده در: دلائل الصدق ج ۵ ص ۵۲) مظفر (همان ج ۵ ص ۵۳ – ۶۱) و قاضی نورالله (احقاق الحق ج ۳ ص ۱۷۰ به بعد) به سخن او جواب داده‌اند. این گونه نقل واحدی نشان می‌دهد که او در جهت سندی صحت این شأن نزول را پذیرفته، ولی در جنبه دلالت سکوت کرده و ظاهراً دست کم در این مورد با ابن روزبهان همداستان است. در حالی که اگر بحث‌های دلالی ذیل آیه را که بدان اشاره شد، بپذیریم، نگاه ما به معارف قرآنی – که تبیین آنها هدف اصلی از دانش تفسیر است – عوض می‌شود.

۶-۱-۴. آیه انفاق

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (بقره: ۲۷۴)

کسانی که اموالشان را در شب و روز، پنهانی و آشکارا می‌بخشند، پاداش‌شان نزد پروردگارشان [محفوظ] است، و نه بیمی بر آن‌هاست و نه اندوهگین می‌شوند.

واحدی از ابن عباس روایت می‌کند که علی بن أبی طالب علیه‌السلام چهار درهم داشت و غیر از آن هم چیزی نداشت، و همه را صدقه داد؛ پس این آیه در شأن او نازل شد. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۴، ص ۴۵۸)

این روایت در سایر منابع اهل تسنن نیز با همین مضمون آمده است. (زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۳۱۹، ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، ج ۲، ص ۲۷۹، حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۱۱۵)

نویسندگان موسوعة الامامة ۲۴ روایت در زمینه نزول این آیه در باره علی علیه‌السلام به روایت از ۳ تن از صحابه و تابعین مانند ابن عباس و مجاهد ...آورده‌اند. (موسوعة الامامة

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

ج ۱ ص ۱۱۹ تا ۱۲۸)

دلالت این آیه بر امامت امیر المؤمنین علیه‌السلام از آن روست که نزول آن کاشف افضلیت و برتری حضرت علیه‌السلام در معرفت و اخلاص است، زیرا بسیاری از مسلمانان دیگر جان خود را در جهاد و حفظ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نشر دعوت الهی ایثار کردند ولی به آن چه امیر المؤمنین علیه‌السلام دست یافت، دست نیافتند؛ امیرالمؤمنینی که خداوند شهادت می‌دهد جان خود را در راه رضای الهی بفروخت تا جایی که سروران فرشتگان خدا بدان می‌بالند و حضرتش علیه‌السلام را برادر سرور انبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌خوانند و جبرئیل جمله: «کیست همچون تو؟» را بر زبان می‌آورد که همه این‌ها گواه آن است که همسنگی برای او یافت نشود و شخص افضل، همان امام است.

ابن تیمیه این شأن نزول را کذب می‌داند (منهاج السنة ج ۷ ص ۲۲۹)، ولی ابن روزبهان می‌نویسد که مفسران اهل سنت نزول آیه در بارهٔ امام علی علیه‌السلام را پذیرفته‌اند، ولی این از فضائل است نه نصوص که امامت را ثابت کند. (نقل شده در: دلائل الصدق ج ۵ ص ۱۰۱) واحدی با پذیرش حدیث و سکوت خود از دلالت بر نص، ظاهراً با همین نظر همداستان است. جالب این است که زمخشری نزول آیه را – به نقل از برخی مفسران – در باره ابوبکر می‌داند که چهل هزار دینار صدقه داد (کشاف ج ۱ ص ۳۹۸) که به گونه غیرمستقیم، آن را نوعی نصّ بر خلافتش می‌شمرند؛ گوییا پنداشته‌اند که کثرت اموال صدقه دلیل بر حق تقدم در جانشینی است. سخن در این مورد بیش از اینها است که مظفر (دلائل الصدق ج ۵ ص ۱۰۲– ۱۰۴) و قاضی نورالله (احقاق الحق ج ۳ ص ۲۵۲ به بعد) به آن پاسخ گفته‌اند.

۶-۱-۵. آیه اهل

«وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه: ۱۳۲)

ترجمه: و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

نمی‌خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم، و سرانجامِ (نیکو) برای (اهل) تقوا است.

واحدی روایت می‌کند که پس از نزول این آیه، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله [و آله] چند ماه متوالی با حضور بر درب خانه علی و فاطمه علیهما السلام، این آیه را قرائت می‌فرمود. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۴، ص ۵۶۲-۵۶۳) در منابع تفسیری دیگر، روایتی آمده است که با استفاده از آن، واژه "اهل" در آیه مورد نظر واضح خواهد شد و آن این که: پیامبر خدا بعد از نزول این آیه، هنگام حضور در کنار خانه علی و فاطمه علیهما السلام، علاوه بر قرائت آیه مذکور، با قرائت آیه تطهیر (احزاب، ۳۳)، معنای اهل بیت را به همگان گوشزد می‌فرمود. برای نمونه سیوطی تکرار این واقعه را بنا بر روایتی، در مدت ۸ ماه می‌داند. (سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۱۳)

این آیه همراه با سبب نزول آن به خوبی نشان می‌دهد که اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند و این عمل پیامبر به روشنی احتمالات دیگر مربوط به مصداق اهل بیت را از بین می‌برد. بدین سان حقیقتی را که در آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) به گونه‌ای دیگر روشن شده، به بیانی دیگر نشان می‌دهد.

۶-۱-۶. آیه سقایة الحاج

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه : ۱۹)

ترجمه: آیا آب دادن به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را مانند [عمل] کسی قرار داده‌اید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است؟! [این دو] نزد خدا برابر و یکسان نیستند و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند. واحدی از ابن عباس مفاخره عباس با مشرکان را روایت می‌کند: که در مورد آبادی مسجد الحرام و تهیه آب برای حاجیان مفاخره کردند، پس آیه نازل شد. در این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

خبر، فضیلت امام علی ایمان به خدا و جهاد در راه او ذکر شده است. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۰، ص ۳۳۶)

ثعلبی پس از گزارش رخداد فخرفروشی برخی مسلمانان بر همدیگر از علی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمودند: "من در ایمان به خدا و جهاد در راه او بر شما پیشی جسته ام" سپس این آیه نازل شد. آن گاه وی روایتی نقل نموده است که این آیه را در مورد عباس بن عبدالمطلب مشرکان و یا مردم مدینه دانسته‌اند.» (ثعلبی، همان ج ۵ ص ۱۹-۲۰)

نویسندگان موسوعة الامامة ۳۵ روایت در زمینه نزول این آیه در باره حضرت علی علیه‌السلام به روایت از ۱۲ نفر از صحابه و تابعین مانند ابن عباس، جابرانصاری، انس بن مالک، حسن بصری، بریده اسلمی، عروة بن زبیر و...آورده‌اند. (موسوعة الامامة ج ۱ ص ۲۹۸ -۳۱۱)

علّامه مجلسی می‌گوید: آیه می‌رساند که ملاک فضل و فخر، ایمان و جهاد است و بدون تردید علی علیه‌السلام در آن بر دیگر صحابه پیشی داشته است ... و به امامت و خلافت شایسته‌تر می‌باشد، از آن روی که پیشی داشتنِ مفضول، قبیح است و این همان حقیقتی است که اندیشه اندیشوران بدان شهادت می‌دهند. (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۳۶ ص۴۰)

ابن روزبهان به شیوه دیرینه‌اش این شأن نزول را پذیرفته، در شمار فضائلی که آنها را "خارج از حدّ شمار" می‌داند، ولی آن را نصّ بر امامتش نمی‌داند. (نقل شده در: دلائل الصدق، ج ۵ ص ۲۶) در پاسخ او، شیخ محمد حسن مظفّر می‌گوید: دلالت این آیه بر امامت در اینجا روشن می‌شود که امیر المؤمنین علیه‌السلام خود را با فضیلتی به دیگران برتری می‌دهد، چه، می‌فرماید: من نخستین فردی هستم که ایمان آورده‌ام و بیش از همه جهاد کرده‌ام. خداوند سبحان نیز او را در ادّعای چنین فضیلتی تأیید می‌کند و کسی را که برای حضرت این فضیلت را قائل نیست انکار می‌کند. پس

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

حضرت علیه‌السلام برترین فرد امّت و شایسته‌ترین آن‌ها به امامت است، با در نظر گرفتن این که آیات نیز مژده برخورداریِ حضرت علیه‌السلام از رحمت و خشنودی خدا و بهشت جاودان را در بر دارد. اقتضای بشارت به شخص حضرت علیه‌السلام و مژده بهشت به ایشان معصومیت ایشان و نزدیک بودن آن گرامی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که بر این اساس، از دیگران به امامت شایسته‌تر می‌باشد. (مظفر، دلائل الصّدق ج ۵ ص ۲۷-۲۸)

می‌بینیم که واحدی در اینجا با سکوت در مورد این مطلب مهم - که تکلیف امامت و سرنوشت امت را معلوم می‌کند - عملاً با کسانی مانند ابن روزبهان هم صدا شده است که پاسخ کلامش را خواندیم.

۶-۲. فضائل مشترک اهل بیت علیهم‌السلام با دیگران از منظر واحدی

در این بخش واحدی به ذکر روایاتی پرداخته است که در آن، علاوه بر اهل بیت، دیگران را نیز سبب نزول آیه دانسته است.

۶-۲-۱. آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب : ۳۳)

یعنی: همانا خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی [احتمالی، شک و شبهه] را بزداید و شما را چنان که باید و شاید پاکیزه بدارد.

واحدی می‌نویسد: «دربارهٔ: «يُرِيدُ اللَّهُ» گفته می‌شود: اراده کردم که این کار و آن کار را انجام دهم. همچنین درباره «الرِّجْسَ» ابن عباس می‌گوید: خداوند اراده کرده است که عمل شیطان و آنچه رضای خدا در آن نیست از شما بر دارد. مقاتل می‌گوید: یعنی از شما دور کند گناهی را که از آن نهی کرده و به ترکش امر کرده است. «قُتاده منظور از رجس را سوء و ابو عمرو بن العلاء آن را ناپاک و قذر می‌داند.» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۸، ص ۲۳۹) همچنین واحدی اشاره می‌کند که این معنا را در تفسیر آیهٔ ۹۰ سورهٔ مائده نیز آورده است. مهمترین بحث در این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

آیه آن است که منظور از اهل البیت در این آیه چه کسانی هستند؟ معدودی از مفسران مصداق آن را زنان پیامبر می‌دانند همانند عکرمه ("تفسیر الطبری" ۲۲/ ۸، "القرطبی" ۱۴/ ۱۸۲) مقاتل و کلبی نیز همین نظر را دارند، اما عموم مفسران می‌گویند این آیه به طور خاص دربارهٔ پیامبر و فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام است و ابی سعید خدری نیز به همین قول معتقد است. این مفسران روایاتی از ام سلمه و عایشه و واثله بن اسقع و انس بن مالک آورده‌اند که پیامبر این چهار تن را با کسائی پوشاند و فرمود: "بار پروردگارا این‌ها اهل بیت و خاصان من هستند. پس رجس را از آنان بردار و ایشان را مطهر قرار بده!". (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۸، ص ۲۴۰)

بعضی از مفسران اهل تسنن آیه را مختص خمسه طیبه می‌دانند و برخی دیگر همسران پیامبر را نیز مصداق اهل بیت می‌دانند، واحدی از این گروه است، لذا می‌نویسد: «این روایت دلالت نمی‌کند که این آیه به طور خاص در مورد این پنج نفر باشد» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۸، ص ۲۴۱)

«در بارهٔ «وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». مقاتل می‌گوید: آنان از گناهانی که در این آیات آمده است پاکیزه شده‌اند یعنی از نجاسات و پلیدی‌های دوران جاهلیت.» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۸، ص ۲۴۱)

ابن تیمیه این آیه را از فضائل اختصاصی اهل بیت می‌داند که به نحو قطعی و استوار از پیامبر روایت شده است. (الفتاوی الکبری ج ۱ ص ۵۵ به نقل موسوعة الامامة ج ۲ ص ۱۸۲) وی همچنین در مورد اراده الهی در اذهاب رجس از اهل بیت می‌نویسد: این اذهاب رجس از پنج تن و تطهیر آنان از گناهان نعمتی است از خدا که به آن‌ها داده است و رحمت و فضل الهی که به صرف توان وتلاش خود به آن نمی‌رسند وگرنه نیازی به دعای پیامبر در این باب نداشتند. (قواعد الادیان، ص ۲۷ به نقل موسوعة الامامة ج ۲ ص ۱۸۱)

سمهودی پس از آن که نزول آیه در باره پنج تن را اثبات کرده و قطعی دانسته،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

آن را منبع فضائل اهل بیت می‌داند و ۱۵ نکته در باب فضیلت اهل بیت از آن استخراج کرده است. (جواهر العقدین ج ۲ ص ۲۲ –۳۱ به نقل موسوعة الامامة ج ۲ ص ۱۷۵– ۱۷۹)

نویسندگان موسوعة الامامة ۲۸۴ روایت در زمینه نزول این آیه در باره خمسه طیبه به روایت از ۱۶ تن از صحابه و تابعین مانند ابن عباس، جابرانصاری، ابو سعید خدری، عایشه، ام سلمه، انس بن مالک و ...آورده‌اند. (موسوعة الامامة ج ۲ ص۷۲ –۱۸۲)

سید جعفر مرتضی عاملی و آلوسی حرف لام در «لیذهب» را به معنای «کی» و مفید تعلیل می‌دانند. یعنی خداوند مطالبی را اراده کرده برای اینکه پلیدی را از اهل بیت بزداید. مانند آیه «لیطفئوا نور الله بافواههم.» (صف، ۸) آیت الله جوادی آملی نیز این نظر را پسندیده و آن را نشان دهنده مقام عصمت اهل بیت می‌داند. (اخوان مقدم، زهره. آیه تطهیر در آینه ادبیات عرب، ص ۳۶ –۳۷)[1] دیگر مفردات آیه نیز بر این مدعا گواهند که بررسی آنها در این مجال نمی‌گنجد. (بنگرید: اخوان مقدم، همان، ص ۳۰ –۵۳) بعلاوه چهل و شش تن از دانشوران اهل قبله اعم از شیعه، سنی و زیدی، از سدهٔ دوم تا سیزدهم، ضمن مباحث علمی خود که در قالب نظم آورده‌اند[2]، دلالت آیه بر امامت امام علی را بیان کرده‌اند. (اخوان مقدم، همان، ص ۹۷ –۲۶۱)

ابن روزبهان در اینجا چند بحث مطرح می‌کند: ۱) مفسران بر نزول آیه در باره امام علی اجماع ندارند، بلکه همسران پیامبر را مصداق آیه می‌دانند که با نظم قرآن سازگارتر است. ۲) عدول از خطاب مؤنث به مذکر در این بخش از آیه (عنکم، لیطهّرکم) می‌تواند قرینه‌ای باشد بر اینکه علی و فاطمه و حسن و حسین نیز در کنار همسران پیامبر، مصداق آیه‌اند. ۳) مراد از رجس، تمام گناهان نیست؛ بلکه شرک و گناهان بزرگ مانند زنا است. ۴) علی امامت را برای خود ادعا نکرد. (نقل شده در:

۱. در باره این کتاب بنگرید: طالعی، عبدالحسین. مروری بر کتاب *آیه تطهیر در آیینه شعر عرب*. آیینه پژوهش، دوره ۲۵، شماره ۱۴۵، بهار ۱۳۹۳، صفحه ۵۵–۵۸.

۲. دکتر اخوان مقدم به پیروی از علامه امینی که شعرهای مربوط به غدیر را غدیریه نامیده، این شعرها را تطهیریه نامیده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

دلائل الصدق ج ۴ ص ۳۵۴–۳۵۵)

مظفر در پاسخ تفصیلی خود که به همین شأن نزول و نیز حدیث کسا استناد کرده (دلائل الصدق، همان، ص ۳۵۶ –۳۸۰) و نیز قاضی نورالله (احقاق الحق ج ۲ ص ۵۶۳ به بعد) به این مطالب پاسخ داده‌اند. با نظر به دیدگاه واحدی در این آیه نوعی همداستانی ابن روزبهان با او را می‌بینیم. پاسخ به این دیدگاه بر مبنای دو منبع یادشده بطور خلاصه چنین است:

۱) این نظر که آیه در باره ازواج النبی است، به کسانی بر می‌گردد مانند عکرمه که کذاب و خارجی بود، یا مقاتل که کذاب بودن او را ابن حجر (میزان الاعتدال ج ۶ ص ۵۰۵) و دیگران آورده‌اند.

۲) پیامبر ام سلمه را از کسایی که خود و چهار تن از خاندانش در آن بودند بازگرداند و فرمود: "انک علی خیر و هم هؤلاء اهل بیتی". (حاکم، المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص ۴۵۱) و در نقل دیگر: "انک الی خیر، انک من ازواج النبی" (سیوطی، الدر المنثور، ج ۶ ص ۴۰۶) لذا اشتراک در نزول صحیح نیست.

۳) سخن میرزای شیروانی که پیشتر نقل شد پاسخی به این مدعا است.

۴) امام علی علیه‌السلام خلافت را برای خود ادعا کرد گرچه به جنگ با خلفا برنخاست. مناشدات حضرتش در جمع مهاجرین و انصار که بارها تکرار شد، دلیل بر این مطلب است. (بنگرید به عنوان نمونه: امینی، الغدیر، ج ۱، باب مناشدات و احتجاجات)

۶-۲-۲. آیه ولایت

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده:۵۵)

ترجمه: به راستی سرور شما خداست و پیامبر او و مؤمنانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. واحدی برخی از روایات شأن نزول آیه را در داستان عبدالله بن ابیّ می‌داند که ولایت یهود را پذیرفت و همچنین عبادة بن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

صامت هنگامی که از یهود تبرّی جست. بنابر این آیهٔ ولایت در مورد همهٔ مومنان وارد است پس هر مومنی ولیّ مومن دیگر است به دلیل این آیه: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ». (توبة: ۷۱)

در روایت عطاء از ابن عباس همین مضامین آمده با افزودن این نکته که بین آیات با آیات مربوط به حضرت موسی و هارون ارتباطی برقرار کرده است. برای اختصار فقط این نکته افزوده را نقل می‌کنیم:

عطاء از ابن عباس روایت می‌کند که در این آیه: «والذین ءامنوا»، منظور از کسانی که ایمان آوردند علی بن ابی طالب می‌باشد و بنا براین روایت در ادامهٔ آیه: «وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» عبدالله بن سلام عرض می‌کند: ای رسول خدا ما دیدیم که علی انگشترش را در حالی که در نماز در حال رکوع بود به فقیر صدقه داد پس ما ولایت او را می‌پذیریم کلبی روایت می‌کند که بلال اذان گفت رسول خدا از مسجد خارج شد در حالی که مردم در حال سجده و رکوع بودند در این هنگام فقیری دور جمعیت می‌گردید و انگشتری به همراه داشت پس پیامبر فرمودند چه کسی این انگشتری را به تو اعطا کرده؟ آن سائل به علی اشاره کرد در حالی که در رکوع بود پس این آیه نازل شد و هنگامی که رسول خدا این آیه را قرائت کردند آنان گفتند ما همگی نماز به پا می‌داریم و زکات می‌پردازیم و هنگامی که پیامبر قرائت کردند: «وَهُمْ رَاكِعُونَ» مردم دانستند که این آیه مخصوص علی بن ابی طالب است. (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۷ ص ۴۳۶)

واحدی می‌افزاید: «دانشمندان در مورد این آیه می‌گویند: این آیه دلالت می‌کند که عمل قلیل نماز را قطع نمی‌کند و پرداخت زکات به فقیر در نماز زمانی که نیت زکات داشته باشد جایز است و نیت زکات با نماز منافاتی ندارد.» (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۷ ص ۴۳۶)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

واحدی در جای دیگر، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «اصول الإسلام ثلاثة، لا تنفع واحدة منهنّ دون صاحبها: الصلاة و الزّکاة و الموالاة». آنگاه مستند این حدیث را آیه یاد شده می‌داند. (این کلام را حمویی از واحدی نقل کرده، چنانکه در فرائد السمطین ج ۱ ص ۷۹ آمده، به نقل: موسوعة الامامة ج ۱ ص ۲۱۶)

نویسندگان موسوعة الامامة ۴۷ روایت در زمینه نزول این آیه در باره حضرت علی علیه السلام به روایت از ۲۱ نفر از صحابه و تابعین مانند ابن عباس، جابرانصاری، انس بن مالک، مقداد، ابوذر، عمروعاص، عمار، مجاهد، سدّی و ...آورده‌اند. (موسوعة الامامة ج ۱ ص ۱۸۷-۲۱۶)

علامه حلی می‌گوید:

این آیه کریمه دلیل دیگری بر امامت علی علیه السلام است، و استدلال به این آیه موکول به مقدّماتی است:

اوّل، این که واژه إِنَّما برای حصر به کار می‌رود و منقول و معقول بدان دلالت دارند. امّا دلیل منقول، اجماع اهل زبان عربی است بر آن، و امّا دلیل معقول آن این است که واژه «انّ» برای اثبات است و «ما» پیش از ترکیب مفید نفی است و نیز پس از ترکیب، استصحاب جاری می‌شود و این دلالت، اجماعی تلقّی می‌گردد و صحیح نخواهد بود هر دو واژه به یک معنی به کار روند، چنان که صحیح نخواهد بود غیر مذکور، اثبات گردد و مذکور بنا به اجماع نفی شود. پس آن چه باقی می‌ماند عکس این شکل است که عبارت باشد از این که کلام منعطف شود به اثبات مذکور و نفی جز آن، که همین، مفهوم حصر است. (حلی، کشف المراد، ص ۴۲۵)

ابن روزبهان ذیل این آیه و روایت، به معانی مختلف کلمه مولی استناد کرده و نهایتاً معنای نصرت را بر می‌گزیند. (نقل شده در: دلائل الصدق ج ۴ ص ۲۹۹) این همان مضمون سخن واحدی است که در سطور پیش نقل شد. پاسخ متقن به این کلام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

در بیان علامه امینی در مجلد اول کتاب الغدیر آمده، و خلاصه‌اش این است که اصل معنای ماده "ولی" نزدیک بودن دو شیء به همدیگر است. بدین لحاظ، معانی ای مانند دوست، سرپرست، یاور، غلام، ارباب، پسر عمو (که جزء طبقات ارث است) و ... را باید در زمره مصادیق "ولی" دانست که هر کدام از اینان به اعتبار سیاق و فضای کلام، می‌تواند مورد نظر گوینده باشد.

۶-۲-۳. آیه صلوات

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب: ۵۶)

ترجمه: همانا خداوند و فرشتگانش به پیامبر درود می‌فرستند. ای مؤمنان [شما نیز] بر او درود بفرستید و سلام [و تسلیم] و عرضه دارید.

طبق روایت کعب بن عجره، پیامبر، عمل به این آیه را به این صورت بیان فرموده که بگویید: "اللهمَّ صَلِّ على محمدٍ وعلى آلِ محمدٍ كما صَلَّيتَ على إبراهيمَ وعلى آل إبراهيمَ إنَّك حميدٌ مجيدٌ و بارِك على محمدٍ وعلى آلِ محمدٍ كما بارَكتَ على إبراهيمَ وعلى آلِ إبراهيمَ إنَّك حميدٌ مجيدٌ" (واحدی، علی بن احمد، تفسیر البسیط، ج ۱۸ص ۲۸۹) ثعلبی نیز با نقل پنج روایت همین مضمون را بیان کرده است. (ثعلبی جلد ۸ ص ۶۸-۶۹)

باسم مِکداش محقق معاصر سنی لبنانی در باره صلوات در کتابش: الدرر البهية بفضائل العترة النبوية و الذرية بروايات اهل السنة الصحيحة المرضية (فضائل اهل البيت عند اهل السنة) تحت عنوان "صلوات بر خاندان در کنار صلوات بر رسول واجب است" می‌نویسد:

از شرافت و فضیلت اهل بیت، این است که خدای تعالی آنان را اختصاص داده به اینکه همراه با جدّشان در صلوات یاد می‌شوند. این شرافت، تعظیم، تمجید و تکریم ویژه‌ای است.

باسم مکداش آنگاه دو حدیث را که در این زمینه صحیح می‌داند، نقل کرده، از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

جمله همین حدیث را که واحدی از طریق کعب بن عجره روایت کرده است. آنگاه می‌نویسد:

«احادیث فراوان – صحیح و حسن و ضعیف – وارد شده و حافظ ابن جوزی کتابی تحت عنوان «جلاء الأفهام فی الصلاة علی خیر الأنام» و حافظ سخاوی کتابی پربار با عنوان «القول البدیع فی الصلاة علی الحبیب الشفیع» نوشته‌اند. کسی که الفاظ درود بر پیامبر را پی گیرد، می‌بیند که در تمام آنها درود بر اهل بیت نیز وارد شده است.

وقتی می‌گوییم: "اللهم صلّ علی محمد و آل محمد"، به این معنا است که: ما از خدای تعالی می‌طلبیم که شأن سیدنا محمد و خاندانش را ترفیع دهد و مقام او و آنها را نزد مردم بالا برد؛ یعنی که: مردم شأن والای سیدنا محمد و خاندانش را بشناسند. فضیلت عظیم و اکرام فوق حدّ شمار در این امر هست، از آن روی که خدای تعالی درود بر آنها را همراه با درود بر پیامبر محبوب خود قرار داده است. لذا هر کس که بر آن بزرگ درود فرستد، اهل بیت را در این درود با حضرتش شریک می‌گرداند...

شافعی می‌گوید: نماز کسی که بر اهل بیت درود نفرستد، صحیح نیست؛ زیرا درود فرستادن بر پیامبر را در هر نماز واجب می‌داند، چنانکه گروهی از دانشوران با او توافق دارند. (بنگرید: هیتمی، الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل الباطل و الزندقة ۴۳۵/۲) مکداش می‌افزاید: یکی از خطاهای بزرگ که بعضی از مشایخ ما در نوشته‌ها، سخنان و درسهای خود مرتکب می‌شوند، آن است که در مورد درود بر پیامبر فقط به آن حضرت اکتفا می‌کنند بدون اینکه از خاندان پیامبر یاد کنند. مثلاً می‌گویند: «صلی الله علیه و سلّم». گاه همین عبارت را نیر مختصر می‌کنند به صورتی مانند: «صلی سلم» یا «صعی سلم»! این کار مخالف است با حدیثی که از حضرتش نقل شده است. پس هر فرد مسلمان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

در این مورد باید از نهی آن جناب برحذر باشد.

(مکداش، باسم، الدرر البهیة بفضائل العترة النبویة و الذریة بروایات اهل السنة الصحیحة المرضیة، فضائل اهل البیت عند اهل السنة، ترجمه عبدالحسین طالعی، نسخه منتشر نشده)

ابن روزبهان این فضیلت را مانند روشنایی خورشید و ماه، بدیهی می‌داند. ولی اثبات این آیه و حدیث به عنوان نصّ بر امامت را مورد خدشه قرار می‌دهد. (نقل شده در: دلائل الصدق ج ۵ ص ۱۰۶) مظفر در پاسخ او می‌گوید که نصوصی که بدانها بر امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام استناد می‌شود، گاهی به دلالت مطابقی و گاه به دلالت التزامی مورد دلالت‌اند. در اینجا وجوب صلوات بر آل بیت همانند وجوب صلوات بر پیامبر به عنوان یک فضیلت برتر روشن می‌شود. در برخی روایات که در نظر اهل تسنن صحیح است، بر صلوات بر آل محمد در کنار صلوات بر رسول تأکید شده است. (صحیح مسلم کتاب الصلاة باب الصلاة علی النبی بعد التشهد، ج ۷ ص ۱۲۱ و ۱۳۰؛ صحیح بخاری، تفسیر سوره احزاب ج ۶ ص ۲۱۷) و مراد از آل محمد در اینجا طبق برخی از احادیث که محدثان عامه روایت کرده‌اند، حضرات علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام هستند.

زمخشری در اینجا نظری شبیه واحدی داده که صلوات بر مؤمنان نیز جایز است (کشاف ج ۳ ص ۲۷۳)، و نتیجه می‌گیرند که این فضیلت اختصاصی آل محمد نیست.. پاسخ در این است که آل محمد، بالاترین مصداق برای صفت مؤمن هستند. بعلاوه درجات صلوات به حسب درجات ایمان تفاوت می‌کند، لذا هر که ایمانش بالاتر باشد، دعای صلوات برای او بالاتر است.

۷. نتیجه‌گیری

بر اساس آن چه گذشت، واحدی ذیل آیاتی از قرآن مجید، روایاتی در فضائل اهل بیت علیهم‌السلام آورده است. در پاره‌ای از موارد، روایات منقول منحصراً در فضائل

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

اهل بیت علیهم‌السلام و در پاره‌ای دیگر، روایات آورده شده در فضائل اهل بیت و مشترک با دیگران است. واحدی در گروه اوّل با علمای شیعه اتفاق نظر دارد.

بر این مبنا، واحدی راه خود را از افرادی همانند ابن تیمیه که در بیشتر این موارد، در اسناد این گونه احادیث خدشه می‌کنند، جدا می‌کند؛ ولی احتمالاً با افرادی همانند ابن روزبهان همداستان است که این فضائل دلالت بر نص به امامت ندارد.

به گفته محمد باقر بهبودی: «علمای اهل سنت، اغلب، از شرح و توضیح این گونه احادیث، دانسته و شناخته دریغ می‌کنند». (دائرة المعارف تشیع، ج ۲ ص ۱۶۱، مدخل "حدیث حسین منی و انا من حسین" نوشته بهاء الدین خرمشاهی) بدین روی، واحدی نیز این آیات را، بر پایه احادیث یاد شده، مربوط به اهل بیت دانسته، ولی از نتایج عقلی آن، از جمله دلالت آنها به تنصیص بر امامت امام علی علیه‌السلام غفلت می‌ورزد.

البته از زاویه دیگر می‌توان گفت که مستند نمودن فضائل و مناقب اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اقرار به جایگاه و شأن ایشان در نزد مسلمین، نشان می‌دهد که اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند محور وحدت و عامل تقریب مذاهب گوناگون باشند. ذکر ویژگی‌های اهل بیت در حقیقت، می‌تواند گامی در برتر نشان دادن آنان و مرجع و پیشرو دانستن آنان در مسیر تبیین کمال و به تعبیر دیگر مرجعیت علمی آنان است.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن ابی یعقوب، احمد، تاریخ الیعقوبی. نجف: حیدریة، ۱۹۷۴م.

ابن اثیر، علی، الکامل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.

ابن سعد، طبقات الکبری، بیروت: دار الصادر ، دار بیروت، بی‌تا.

ابن جوزی، عبدالرحمن، زادالمسیر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

ابن حجرعسقلانی، الصواعق المحرقة، استانبول، مکتبة الحقیقة، ۱۹۹۴ م.
ابن خلّکان، وفیات الأعیان، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
ابن العماد، عبدالحیّ، شذرات الذهب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
ابن ندیم، الفهرست، تهران: دار المیسرة، ۱۹۸۸م.
اخوان مقدم، زهره. آیهٔ تطهیر در آینهٔ ادبیات عرب. تهران: نبأ، ۱۳۹۲.
اسنوی، عبدالرحیم، طبقات الشافعیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
اقبال آشتیانی، عباس، عاقلی، باقر، تاریخ ایران پس از اسلام، تهران: نامک، ۱۳۷۸ش.
بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت: دارالمکتبة الهلال، ۱۹۸۸م.
تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
ثعلبی، احمد، الکشف و البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، ۱۴۲۲ق.
جندی، عبدالحلیم، الإمام الشافعی. بیروت: دارالمعارف، بی‌تا.
حاکم حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۹۹۰م.
الحموی، یاقوت، معجم الأدباء، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۳.
حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
ذهبی، شمس الدین، سیر اعلام النبلاء، بیروت: موسسه الرساله،۱۳۷۳.
ذهبی، شمس الدین. العبر فی خبر من غبر. بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
زمخشری، محمود، الکشاف، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.
زنگنه، ابراهیم، شهرستان نیشابور و مهم‌ترین وقایع تاریخی آن، مشکوة، شماره ۵۴ – ۵۵، بهار و تابستان ۱۳۷۶ش.
سفینه، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۲، سرمقاله.
سیوطی، عبدالرحمن، الدر المنثور، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، بی‌تا.
سیوطی، عبدالرحمن، طبقات المفسّرین، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمّد علی بیضون، بی‌تا.
شافعی، محمد بن ادریس، دیوان الامام الشافعی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۹ق.
شیروانی، محمد. رسالهٔ فی تفسیر سورهٔ هل اتی. سفینه، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۶۱-۱۷۸.
طباطبائی، سید عبدالعزیز، اهل البیت فی المکتبة العربیة، قم: موسسه آل البیت، بی‌تا.
عبّاسی، مهرداد، ابواسحاق ثعلبی و روش وی در تفسیر قرآن، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۶.
قفطی، جمال الدین، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، بیروت: مکتبه عنصریة، ۱۴۲۴ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]

گرایلی، فریدون، نیشابور شهر فیروزه، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۷ ش.
مادلونگ، ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه جواد قاسمی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۷ش.
مجلسی، محمّد باقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
مکداش، باسم، الدرر البهیّة، بیروت: دارالخلود، ۱۴۳۲ق.
المرعشی النجفی، السید شهاب الدین، موسوعة الامامة فی نصوص اهل السنة، قم: مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۲۶ق.
مقدسی، محمّد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۷م.
میبدی، ابوالفضل، کشف الاسرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
موسوی خوانساری، سید محمد باقر. روضات الجنّات، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۲ق.
واحدی، علی بن احمد، البسیط، ریاض: جامعة الامام محمد بن سعود، ۱۴۳۰ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-19]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.17.65.2.3]